

سرآب بیطرفی رسانه ها

دیرزمانی است که گردانندگان و مخاطبان رسانه ها به این نتیجه رسیده اند که بیطرفی رسانه ها سرآبی بیش نیست و موضوعیت چندانی ندارد.

به مصداق ضرب المثل آش نخورده و دهان سوخته، مخاطبان نه تنها بیطرفی رسانه ها را احساس نمی کنند بلکه در مواردی باید از بیطرفی رسانه دفاع کنند!

رقابت میلی متری رسانه ها برای جذب مخاطب، آنان را به سوی حرفه ای بودن سوق می دهد که تضمینی برای راز بقا و تداوم حیات آنان محسوب می شود.

هر چند حرفه ای بودن مستلزم کاربری معیارهای متعددی است با این حال اصولی همچون دقت، سرعت، صحت و اصل بیطرفی در تولید و انتشار اطلاعات در رسانه ها بیش از سایر معیارها خودنمایی می کند.

بیطرف بودن به معنی تعلیق و خنثی سازی هر گونه موضع گیری اصحاب رسانه در مواجهه با اطلاعات و اخبار جامعه و بویژه مسائل چالش برانگیز بوده و البته عملاً ناشدنی است.

کنش گری رسانه ها بیانگر آن است که تعلیق دلبستگی ها و علایق و رعایت بیطرفی ارتباط سازان جمعی بهنگام بازتاب اخبار رویدادها، به سهولت امکان پذیر نیست. بویژه اینکه بیطرفی امری نسبی است و در مقایسه با وضعیتی خاص معنا و مفهوم می یابد.

با رنگ باختن بیطرفی رسانه ها و نسبی بودن استقلال رسانه ها، دیر زمانی است که نظریه پردازان برای رهایی از این تناقض، بر رعایت انصاف در تولید و انتشار اطلاعات تاکید می کنند.

در عصر فناوری اطلاعات، رسانه ها به منزله فضای سیاست و حلقه اتصال شهروندان عمل می کنند. در این چارچوب، طیفی از نقش های متناقض در رسانه ها ظهور و بروز یافته است. از یک سو رسانه ها محلی برای آرایه آموزش شهروندی، تفریحات و سرگرمی و اطلاعات و اخبار و از سوی دیگر به مکانی برای افشاگری و اغواگری سیاسی و دستکاری در افکار عمومی تبدیل شده اند.

وحدت ملی و یکپارچگی جامعه مستلزم رعایت انصاف در رسانه هاست. انصاف یعنی پرهیز از تبعیض و رعایت مساوات در رسانه، انصاف به معنی اقرار و مهر تاییدی بر حقوق شهروندان و ادای آنهاست. این اصل چنین به ذهن متبادر می کند که هر چه را برای خود می خواهیم برای دیگران نیز بخواهیم و برعکس.

در میان معیارهای حرفه ای بودن رسانه ها هیچ کدام همتراز رعایت

انصاف در تولید و انتشار اطلاعات و اخبار نیست و مهر تاییدی بر اخلاق رسانه ای و دور کردن جامعه از پرتگاهها و عبور از بزنگاههای چالش برانگیز است.
(منبع: مطالعات رسانه و ارتباطات).